

مدل‌های تربیتی در تقویت مشاهده از منظر روایات امام علی (ع)

مریم قاسمی *

کاظم حاجی رجبعلی **

چکیده

توجه به حواس انسان، به عنوان نقطه آغاز تفکر او، نقش مهمی در تعلیم و تربیت دارد؛ زیرا پایه تعلیم و تربیت بر شناخت است و شناخت را نمی‌توان منفک از حواس دانست. در این میان، دریافته‌های بصری به علت تفوق بر حواس دیگر در ارتقای کمی و کیفی یادگیری فرد مؤثر است. به دلیل آنکه حواس پرورش‌یافته انسان را در شکوفایی تفکر و توسعه شناخت از جهان توانمند می‌سازند و شناخت عمیق‌تر و اصیل‌تری را برای او مهیا می‌کنند، پی‌گیری این موضوع در متون اصیل اسلامی می‌تواند افق‌های تازه‌ای را پیش روی محققان تعلیم و تربیت قرار دهد. در این راستا، بیانات امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به عنوان منبع اصیل اسلامی بسیار راهگشاست. بررسی مسئله مذکور، ما را به ده منظر دلالت می‌دهد که می‌توانند به عنوان مدل‌های تقویت مشاهده در تعلیم و تربیت ارائه شوند. مدل‌های یاد شده در دو دسته کلی مشاهده در آیات طبیعی و مشاهده در روابط انسانی تبیین شده‌اند. علاوه بر آن، آثار و نتایج تربیتی ویژه‌ای که بر هر دسته مترتب می‌باشند نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: تفکر، پرورش حواس، تقویت مشاهده، علی (ع)، مدل‌های مشاهده

* کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس (تأییدکننده نهایی مقاله)

Email: ghassemi_maryam@yahoo.com

Email: krajabali@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت معلم

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۰۲/۳۱

مقدمه

شناخت یکی از ابعاد مهم در ساختار وجودی انسان است که جایگاهی ویژه را در تعلیم و تربیت می‌یابد؛ زیرا اگر تعلیم و تربیت را زمینه‌سازی برای شکوفا شدن توانمندی‌های انسان با هدف ایجاد تکامل و ارتقای زندگی او (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۷؛ بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۰) در نظر بگیریم، در این صورت، کمک و زمینه‌سازی مذکور می‌تواند دارای زمینه‌های تخصصی جزئی‌تری باشد که از ادراکات حسی، تفکر و شناخت تا گرایش‌ها و رفتارهای انسان را شامل می‌شود و در این میان، بررسی و تبیین ادراکات انسان و شناخت او و نیز لوازم و آثار آن، مقدمه‌ای برای زمینه‌های دیگر تربیتی خواهد بود.

از سویی، شناخت در انسان با تفکر در او پیوندی ناگسستنی خورده است، و بدون تفکر شناختی برای انسان به دست نمی‌آید و از سوی دیگر، شناخت را نمی‌توان منفک از حواس آدمی دانست. حواس انسان دریچه‌ای است برای ورود اطلاعات که پس از دریافت ادراکات حسی توسط یکی از حواس پنج‌گانه (حواس ظاهری)، این داده‌ها در حس مشترک (حواس باطنی) ذخیره شده و قابل بسط و گسترش می‌باشند؛ تفکر عهده‌دار این فرآیند است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ص ۲۰۵). به این ترتیب، می‌جهز بودن انسان به ابزار حواس امکان تفکر را برای او ایجاد می‌کند.

تفکر به کمک ادراکات حسی، به کشف مسائل و حقایق بر اساس غرض مشخصی که از تفکر مدنظر است، می‌پردازد. بدین ترتیب، دریافت‌های هر یک از حواس، به عنوان نقطه آغاز تفکر می‌باشند.

از آن جا که درک حقایق برای انسان از حواس او آغاز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۰۳)، توجه به حواس انسان به عنوان نقطه آغاز تفکر می‌تواند زمینه‌ساز خوبی در جهت تربیت متریبان برای اهداف مورد نظر باشد. نقش حواس به خصوص در دوران اولیه سیر رشد انسان بسیار مهم است؛ چرا که محل و موقف اصلی پرورش حواس در این دوران است و در مراحل بعدی در سیر رشد، از توانمندی‌هایی که در این دوره به دست می‌آید، استفاده خواهد شد. استفاده انسان از حواس برای ارتباط و تعامل با عالم خارج آن قدر اهمیت دارد که امروزه اندیشمندان بسیاری بر توجه به این امر تأکید می‌کنند. در این میان کثرت‌گرایان شناختی به صورت ویژه به نقش حواس در

شناخت آدمی توجه نموده‌اند و کسانی مانند آیزنر^۱ به صورت مبسوط به این امر پرداخته است. آیزنر معتقد است که در ساختار انسان «نظام حسی ابزارهایی را برای او فراهم می‌آورد که از طریق آنها می‌تواند دنیای پیرامون خود را تجربه کند.» (مهرمحمدی، نیکنام و سجادیه، ۱۳۸۷، ص ۳۵). همچنین در اثر ارتباط فرد با محیط تجربیات وی ارتقا می‌یابد که این تجربیات در ساخت مفاهیم برای انسان بسیار اثرگذار است. به همین دلیل است که حواس آدمی به عنوان بخشی از ذهن نگریسته می‌شوند. زیرا مفاهیم ناشی شده از جهان در نظر ما از چیزهایی که حواس برایمان فراهم می‌کنند، به دست می‌آید (همان)

دریافته‌های بصری انسان به علت تفوق بر حواس دیگر در میزان تأثیری که بر یادگیری او از عالم دارند، جایگاه ویژه‌ای دارند. همچنین حضور مشاهده در حواس باطنی انسان عامل مهمی در استفاده او از حواس باطنی است (صدر المتألهین، ۱۹۸۱). به این ترتیب، مشاهده، هم به لحاظ حضور در حس ظاهری و هم به لحاظ جلوه داشتن در حس مشترک، و سپس تجلی در مشاهده‌های حضوری از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین دلیل است که هر مشاهده‌ای بسته به مرتبه بالاتر آن، در رساندن انسان به ادراکات جدید، دارای قدرت و توان بیشتری است. به همین دلیل، آیزنر معتقد است که به واسطه خیال می‌توان چیزهایی را درک کرد که هرگز در تجربیات حسی تجربه نمی‌شوند و به وسیله آن می‌توان بالاتر از تجربیات حسی حرکت کرد (مهرمحمدی و نیکنام و سجادیه، ۱۳۸۷، ص ۳۷)؛ زیرا در خیال مرتبه بالاتری از مشاهده در اختیار انسان قرار می‌گیرد. همچنین خیال نیز آبخشور اولیه خویش را از مشاهدات بصری می‌گیرد.

مشاهده عنوانی است که به انواع رؤیت انسان چه در حس ظاهری و چه در حس مشترک و چه در دریافت‌های حضوری تعلق گرفته است. هر آنچه که انسان درک آن را با لفظ دیدن بیان می‌کند، مشاهدات او خواهند بود. مشاهده به عنوان یکی از کارکردهای حواس ظاهری انسان از گسترده‌ترین مدرکات او به حساب می‌آید. از این رو، بها دادن به مشاهدات انسان و تمرین و تقویت آن در بهره‌گیری از جهان پیرامون خود برای درک حقایق می‌تواند از فعالیت‌های مهم تربیتی محسوب شود، از آن جهت

که با زمینه‌سازی برای تمرین و ممارست و تقویت مشاهده در فرد بر افزایش علم در او کمک می‌شود.

با توجه به تأثیر حواس در شناخت، یکی از رسالت‌های مهم تعلیم و تربیت مجهز ساختن انسان برای مواجهه با دنیای خارج به وسیله ادراکات حسی و در نتیجه کمک به تکوین شناخت در وی است. «در تصور سنتی از شناخت، فراورده‌های حسی صرفاً ناشی از برخورد ساده حواس با جهان تلقی می‌شدند؛ اما در نگاه جدید هر چه حواس آدمی پرورش‌یافته‌تر و چالاک‌تر باشند، قادر به دریافت جنبه‌های عمیق‌تر و زوایایی جدیدتر از واقعیت و جهان خواهند بود و در نتیجه، آدمی به تجربیات اصیل‌تر و ژرف‌تر دست خواهد یافت.» (همان).

به کارگیری حواس در حالت‌های مختلف سبب رشد و تقویت آنها می‌شود. در این صورت، انسان فقط به سلاح حواس مجهز نیست، بلکه مجهز به حواس تقویت‌یافته و پرورش‌یافته‌ای است که می‌تواند آنها را در جهت اغراض مختلف به کار گیرد. «بر این اساس، آگاهی درباره جهان و تفکر در مورد جنبه‌های متفاوت آن بستگی به حواس پرورش‌یافته‌ای خواهد داشت که توانایی به دست آوردن و شکار این جنبه‌های متفاوت را داشته باشد.» (همان). بنابراین، ادراکات انسان که به وسیله حواس به دست می‌آید می‌تواند به واسطه پرورش، اولاً فرد را به دریافت‌های بیشتری برساند و ابعاد گسترده‌تری از شناخت را در اختیار او قرار دهد و ثانیاً فرد را قادر می‌سازد تا در جهت اهداف و اغراض خاصی از آنها به خوبی و به صورت بهینه استفاده نماید. به این ترتیب، از گام‌های اولیه در تفکر و تقویت اندیشه، تقویت انواع مشاهده است. مشاهده که به کمک حس ظاهری بینایی و قوه خیال در انسان صورت می‌پذیرد، از توانمندی‌های مهم انسان در یادگیری است. از جمله راه‌هایی که می‌تواند این توانمندی را در انسان تربیت کند، تعلیم انواع مشاهدات بصری برای رسیدن به منظور و مقصود خاص است. بنابراین، هر مشاهده‌ای در انسان به عنوان یکی از مهم‌ترین محسوسات در او، وقتی به غرض خود می‌رسد که بتواند علمی را در او افزایش دهد. چگونگی به کارگیری این توانمندی اولین سوال مهمی است که در راستای تقویت مشاهده در انسان و بهره‌گیری از آن، به وجود می‌آید.

نتیجه آنکه بررسی این مبحث، شایسته توجه در تحقیقات تربیتی بوده و از

موضوعات راه‌گشا و تعیین‌کننده در زمینه پرورش اندیشیدن و تفکر در تعلیم و تربیت خواهد بود. منابع دینی ما با وجود کفایتی که برای تعلیم و تربیت انسان دارند، کمتر اعتمادی به آنها در زمینه استخراج شیوه و مدل‌ها در موضوعات تربیتی می‌شود. مقاله پیش‌رو سعی دارد تا زمینه مناسبی را برای راه‌یابی در جهت بهره‌گیری از منابع ارزشمند اسلامی در تعلیم و تربیت فراهم آورد. در این مقاله بیانات امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که از غنی‌ترین مراجع برای تربیت و پرورش انسان محسوب می‌شود، محور کار قرار می‌گیرد. این نوشتار، پاسخ به چگونگی بهره‌مندی انسان از مشاهداتش برای درک حقایق عالم را مطرح نظر خود قرار داده و بر آن است تا با بررسی موضوع مشاهده در نهج‌البلاغه، به ارائه مدل‌هایی از مشاهده در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام بپردازد.

منظور از مدل مشاهده در این نوشتار، شیوه‌هایی در نگاه کردن به جهان پیرامون است که مربی می‌تواند با به کارگیری آنها و اجرایی ساختن آنها در دستورالعمل‌ها، متربیان خود را در بهره‌گیری از مشاهداتشان برای افزایش شناخت مدد نماید. به این ترتیب، «مدل» در این نوشتار به دستورالعمل نزدیک‌تر است تا اینکه صرفاً ارائه یک روش به صورت کلی باشد. مسلم است که بهره‌گیری از این مدل‌ها نه تنها در تعامل مربی و متربی بلکه به کارگیری آنها توسط فرد برای بهره‌مندی از مشاهدات خویش نیز موثر است.

تبیین مشاهده و مدل‌های آن

بررسی بیانات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که مقوله مشاهده در ساختار ادراکی انسان جایگاه ویژه و برجسته‌ای دارد (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶۶) و می‌تواند زمینه‌ساز هدایت انسان باشد (همان، نامه ۶). تا آن جا که در مکتب نهج‌البلاغه کسانی که از بصر خود بهره می‌برند اهل البصر نام دارند که اینان به صبر و علم نیز نائل می‌شوند (همان، خطبه ۱۷۳). از این جهت است که مشاهده فقط به عنوان یک مقوله حسی مطرح نیست، بلکه استفاده از این توانمندی در انسان و انتقال یافتن به علم و ادراک از طریق آن، می‌تواند انسان را به بینایی باطنی، علاوه بر بینایی ظاهری، برساند.

با بررسی این موضوع در نهج‌البلاغه، می‌توان دو نوع مشاهده را در این بیانات ملاحظه نمود. یک نوع مشاهده با چشم سر و دیگری مشاهده با قلب. قلب انسان مانند

صفحه‌ای است که توسط بصر بر روی او نوشته می‌شود (همان، حکمت ۴۱۷). از این روست که چشم و بصر در انسان ابزاری برای کارآمدی سایر قواست. انسان به مدد بهره‌گیری از مشاهدات خود، می‌تواند مشاهدات قلبی را در وجودش فعال نموده و در نتیجه فعال شدن مشاهدات قلبی، می‌تواند به شهود عالم غیب و لقای پروردگار خویش دست یابد. ادراکی که از مشاهدات چنین بصری برای فرد حاصل می‌شود، در کلام امام علی علیه‌السلام بصیرت نام دارد. بنابراین، هدف این ادراک حسی در انسان (یعنی ادراکات بصری)، رسانیدن او به علم و ادراک و از این طریق، قرار گرفتن در مسیر هدایت است (همان، حکمت ۱۵۷). با توجه به سخنان امام علیه‌السلام در نهج‌البلاغه مشخص می‌شود که مشاهده در انسان می‌تواند دارای قوت و ضعف باشد (همان، خطبه ۱۳۳، خطبه ۸۲، خطبه ۸۷). در صورت بهره‌نگرفتن انسان از این توانمندی، بصر انسان در معرض نابینایی خواهد بود و در این صورت بر روی آن پرده می‌افتد (همان، خطبه ۱۹۸). در مقابل استفاده هدفمند از آن موجب قدرت یافتن و جلای آن می‌گردد. بنابراین، راه‌یابی انسان به ادراک متناسب با هر مشاهده، تعیین‌کننده این ضعف یا قدرت خواهد بود. با توجه به آن چه در فوق گفته شد، ضرورت می‌یابد چگونگی بهره‌گیری از توانمندی مشاهده در انسان و راه‌یابی به ادراکات درست را در کلام امام علی علیه‌السلام جستجو کنیم تا دریابیم که چگونه چنین انتظاراتی از این توانمندی در انسان، محقق خواهد شد.

با بررسی کلام امام علی علیه‌السلام می‌توان مدل‌های مشاهده را در دو دسته کلی بررسی نمود. دسته اول برخورد ایشان با جهان طبیعت است که در آن انواعی از مشاهدات ایشان نسبت به آیات طبیعی الهی مورد توجه است. در دسته دوم انواعی از مشاهده‌های ایشان در نظام ارتباطات انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است آنچه به عنوان مدل ارائه می‌شود حاصل بررسی بیانات مختلف امیرالمؤمنین است و آنچه از کلام ایشان به صورت مستقیم بیان می‌شود تنها نمونه‌ای از نمونه‌های مختلفی است که مدل مذکور، مستخرج از آنهاست و در اینجا تنها به صورت نمونه‌ای مختصر و در حد بضاعت یک مورد ذکر می‌شود.

بخش اول: مشاهده جهان طبیعت

یکی از راه‌های پرورش قوه مشاهده، سیر در طبیعت است؛ چرا که طبیعت به عنوان بهترین کتاب برای تقویت مشاهده انسان همواره در برابر او گشاده است. بیانات امیرالمؤمنین علیه‌السلام خصوصاً در نگاه به ادعیه مأثوره از ایشان حاوی نکات مهمی پیرامون این نوع مشاهده است. در این مشاهده از آیات هستی به غفلت عبور نمی‌شود و هر مواجهه، کلاسی و مدرسی برای تفکر انسان می‌شود. مدل‌هایی از این مشاهده را می‌توان در صحیفه علویه از کلام ایشان چنین برداشت کرد:

مدل اول: نگاه به آیات طبیعی به همراه بهره‌گیری از آن در نظام انسانی

از جمله عواملی که می‌تواند مشاهده انسان به طبیعت را هدفمند سازد، توجه به ارتباط نظام آیات طبیعی و نظام ارتباطات انسانی است؛ به این معنا که مشاهده آیات طبیعی و توجه به برخی ویژگی‌ها در آن، می‌تواند راهنمای فهم حقایق درباره زندگی انسان باشد. در این مدل، مشاهده‌گر با دیدن آیه‌ای از آیات الهی، توجهش به آن جلب شده، با دقت و تأمل در آن مراحل را به شرح زیر طی می‌کند:

مشاهده نظام آیات (مجموعه‌ای از مخلوقات که با پیوستگی خود در هماهنگی و نظمی در جریان و حرکتند)

در نظر آوردن نظام حاکم در زندگی انسان (مجموعه‌ای از توانمندی‌ها یا ناتوانی‌هایی که در صحنه زندگی بشر به حیثیت فردی یا اجتماعی رخ می‌نماید)

مشاهده مدبری که هر نظامی را او اداره می‌نماید.

توجه به ارتباطی که به واسطه یکی بودن مدبر بین زندگی انسانی و نظام تکوین وجود دارد.

تعمیم آن آیه به نظام حاکم در زندگی انسان

نمونه این مدل مشاهده در بخش‌هایی از دعای صباح از امیرالمؤمنین مشاهده می‌شود که در آن از مشاهده پراکنده شدن تاریکی به واسطه پدید آوردن صبح از جانب مدبر واحد، به سوی مشاهده راهنمای انسان‌ها به سوی روشنی‌ها در شب بسیار تار کشیده می‌شود. یعنی آنگونه که خدا تاریکی و ظلمت شب طبیعت را به صبح بیرون آورده است، تاریکی و ظلمت مسیر حیات انسانی را به وجود راهنمایی هدایت‌کننده روشن کرده است.

خدایا ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن، و پراکنده ساخت

پاره‌های شب تاریک را با آن توده‌های سیاه سرگردانی که داشت، و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را در اندازه‌ها و گردش‌های زیبایش، و پرتو افکن ساخت تابش خورشید را با نور فروزان و گرم آن، ... درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در شب بسیار تاریک (جاهلیت)، و آن کس که در میان اسباب و وسایل تو بلندترین ریسمان شرف را گرفت، و ... (صحیفه علویه، ص ۲۹۴)

از مهم‌ترین کارکردهای این مدل این است که در صورتی که مربی بتواند چنین دیدن و مشاهده‌ای را در متربی‌ان ایجاد کند، قابلیت تفکر در متربی‌ان در بخش ارتباطدهی میان جهان طبیعت و عالم انسانی افزایش خواهد یافت.

مدل دوم: با شعور دانستن آیات طبیعی و درس گرفتن از نحوه رفتار آنها در برابر

مدبر یگانه

از دیگر مهارت‌هایی که لازم است انسان در مواجهه به عالم آیات طبیعی یاد بگیرد، مشاهده آیات از جهت مخلوق بودن آنهاست. این مدل مشاهده را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

مشاهده پدیده‌ای خاص

توجه به سیر تکوینی و کارکردهای آن در نظام خلقت

در نظر گرفتن منافع آن پدیده برای خود

مشاهده اراده الهی در اداره و تدبیر آن

مشاهده اطاعت و فرمانبرداری آن پدیده نسبت به مدبر

تصور جایگزینی خود به جای آن پدیده

درس گرفتن از آن به عنوان مطیع مدبر خود

در این مدل، فرد در می‌یابد که هیچ یک از اجزای عالم از هم جدا نیستند و همه آنها موجوداتی زنده و دارای هستی‌اند. نمونه این مدل را می‌توان در دعای حضرت علی علیه‌السلام هنگام دیدن ماه به صورت زیر مشاهده کرد که در آن سعی می‌کند اطاعت در تدبیر الهی را مانند آن آیه مشاهده‌شده در زندگی خود پیاده سازد. در این کلام، ایشان ماه را فرمانبردار و مطیع پروردگار در تدبیر ربوبی می‌یابد که لحظه‌ای از این مسیر تخطی ندارد و چنین اظهار می‌دارند که انسان نیز وضعیت نیکویش در فرمانبرداری و اطاعت محض از پروردگار است. از این رو، هدایت و تزکیه که نشان از

این فرمانبرداری دارد را از خداوند درخواست می‌کند.

ای آفریده فرمانبردار پیوسته (در حرکت) و شتابان، رفت و آمد کننده در مدار تدبیر (ایّها الخلق المطیع الدائب السّریع المتردّد فی فلک التّدبیر)، و گردش کننده در منزل‌های معین و ورودگاه‌های تقدیر، ایمان دارم به آن که تاریک‌ها را به تو روشن کرد، و بوسیله‌ات راه‌های پیدا و مهم را آشکار ساخت، تو را خداوند ماهی نو برای کاری نو قرار داده، و خداوند تو را ماهی نو برای امنیت و ایمان و تندرستی و اسلام، و ماهی نو برای ایمنی از بیماری‌ها و سلامت از گناهان قرار داد. خدایا ما را راهبرترین کسانی که ماه بر او طلوع کند و پاک‌ترین مردمانی که بدان بنگرد (اللّهم اجعلنا اهدی من طلع علیه و ازکی من نظر الیه) قرارمان ده، و درود خدا بر محمد و خاندانش باد... (صحیفه علویه، ص ۲۱۶)

مدل سوم: مشاهده پدیده و کارکردهای آن همراه با مشاهده نیازهای فردی یا اجتماعی مرتبط با آن

این مدل نیز با مشاهده پدیده‌ای از آیات طبیعت آغاز می‌شود و با مراحل طی می‌کند، می‌تواند نیازهای جدیدی را به روی انسان بگشاید: آیه‌ای از آیات هستی، مدبّر آن و منفعی که خداوند برای آن آیه در نظر گرفته، مشاهده می‌شود.

متناسب با کارکردها و منافع آن پدیده، نیازهای خود نیز مشاهده می‌شود. فرد برای خود مقصدی متناسب با آن نیاز و منفعت آن پدیده از مدبّر یگانه طلب می‌نماید.

این مشاهده در نهایت به صورت درخواست و دعا به جانب مدبّری که اداره نیاز و پدیده را به عهده دارد کشیده می‌شود.

نمونه این مدل دعایی است که امام در هنگام نظر به ماه نو می‌خواند و در آن بهترین غایات را در ماه و روزهای جدید از خدا طلب می‌کند.

خدایا از تو می‌خواهم خوبی و خیر این ماه و روشنائی و یاری و برکت و پاکی و روزیش را و از تو درخواست کنم آن خیر و خوبی را که در آن است و هم در ماه‌های پس از آن، و به تو پناه برم از شر آن و شر آنچه در ماه‌های پس از آن است، خدایا در آر این ماه را بر ما به امنیت و ایمان و تندرستی و اسلام و برکت و پرهیزکاری و توفیق

بر هر کاری که دوست داری و مورد خشنودی تو است (همان، ص ۲۱۴)
از آثار تربیتی مهم در این مدل این است که این نگرش که جهان برای انسان خلق شده است، به صورت کاربردی برای مربی در وجودش شکل می‌گیرد.

مدل چهارم: مشاهده تفصیلی آیات الهی

در این نگاه، مشاهده گر آیات الهی را با جزئیات آن می‌نگرد. این نگاه دقیق و ظریف به مخلوقات و چگونگی آفرینش آنها می‌تواند چشم‌ها را بینا و دل‌ها را بیدار کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۵)؛ آن سان که با برپایی شواهد و نمونه‌هایی از لطافت صنعت‌گری و قدرت عظیم الهی چندان که تمام اندیشه‌ها را به اعتراف واداشته، و سر به فرمان خدا بنهد، فرد را به حال اقرار بندگی و عجز در برابر خداوند برساند (همان، خطبه ۱۶۵) نمونه‌هایی از این نوع مشاهده را می‌توان در کلام امیرالمؤمنین در وصف پرندگان و طاووس مشاهده کرد (همان، خطبه ۱۶۵ و خطبه ۱۵۵)

مدل پنجم: نمادسازی تصاویر مشاهده شده

یکی از ویژگی‌های قوه خیال، ساخت تصاویر از روی تصاویر مشاهده شده است. این کار عمدتاً بدون برنامه صورت می‌گیرد؛ در حالی که با وجود برنامه‌ای مشخص می‌توان تصاویر ساخته‌شده را جهت‌دهی کرد. مشابه این کار در انواع آموزش‌های تصویری (از قبیل آموزش نقاشی و ...) انجام می‌گیرد. هر تصویری نشانه و نمادی از حقیقتی است که فرد با مشاهده آن تصویر به آن حقیقت توجه می‌نماید. در این حالت هر شیء آینه‌ای برای نشان دادن حقایق می‌شود. به عنوان مثال، به برخی از این نمادها اشاره می‌شود. مثلاً نور نماد ظهور است. گیاه نماد حیات است. رویش مجدد گیاه نماد قیامت است. غذا نماد رزق و روزی و علم است. نطق و گفتگو نماد تفکر است. باران نماد رحمت است و...

نمونه‌ای از این مدل دعایی است که امیرالمؤمنین برای انجام اعمال وضو آموخته‌اند. در این دعا به ازای هر تصویر از اجزای وضو که در ذهن نقش می‌بندد، تصویری از عاقبت نیک و یا بد آن اجزا برای فرد به تصویر کشیده شده است (با توجه به طولانی بودن دعا و عدم اطناب در این مجال، از آوردن متن دعا صرف نظر می‌کنیم: دعای وضو در صحیفه علویه، ص ۳۵۴).

نوع دیگری از این نمادسازی تبدیل تصاویر به مفاهیم است. در این مدل از

مشاهده، سه نگاه پیگیری می‌شود:

برخورد با آیه

نمادسازی از آیه

ارتباط فرد با نماد و دریافت حقایق.

انسان در برخورد با پدیده‌ها می‌تواند آنها را نمادی برای حقایق فرض کند. در نتیجه، در برخی از مشاهده‌های خود به دنبال آن وجه نمادین می‌گردد. به عنوان مثال، در روایت فوق امیرالمؤمنین علیه‌السلام با مشاهده آب، به یاد پاک بودن و پاک نمودن آب می‌افتد. تقویت این مهارت منجر می‌شود تا انسان با دیدن هر چیزی به یاد مفهومی از حقایق بیفتد.

بخش دوم- مشاهده در روابط انسانی

از نکات مهم تربیتی این است که زندگی دیگر انسان‌ها و نیز زندگی ما با آنها منابعی برای پیشرفت روز افزون ما و بهره‌گیری‌های ما از زندگی در دنیا باشد. این گونه است که هر فرد و هر زندگی، چه خوب و چه بد، محرکی در بهبود زندگی انسان محسوب خواهد شد. زندگی در میان طیف متنوعی از انسان‌ها و گوناگونی رخدادهای و اتفاقات آنها می‌تواند عاملی دیگر در تقویت مشاهده برای انسان باشد. (لازم به ذکر است که تأمل و مشاهده رفتار دیگران نباید به غیبت و تهمت و افشای اسرار دیگران منجر شود، بلکه تنها برای مشاهده و دقت فردی است تا انسان از آن درس بگیرد). در این صورت، ارتباط بیشتر میان آنها به تقویت مشاهده و در نتیجه تقویت تفکر و در نتیجه تفکر، به افزایش علم، فهم و تجربه انسان منتج می‌شود؛ و اینگونه می‌شود که مشاهده دقیق در زندگی و روابط با دیگر انسان‌ها فرد را چنان پرتجربه می‌کند که گویی همه آن موقعیت‌ها را خود در زندگی‌اش مواجه بوده است (نهج‌البلاغه، ص ۴۷۳).

مدل اول: مشاهده نشانه‌ها برای گرایش یا اجتناب از برخی صفات

یکی از شگردهایی که می‌بایست هر فردی در زندگی خود آن را بیاموزد، مشاهده صفات در خود یا انسان‌های دیگر است. در این مدل که یکی از مهم‌ترین و نافع‌ترین مدل‌های مشاهده است برای ایمنی از صفات منفی خود و دیگران به مشاهده نشانه‌های آن صفات پرداخته می‌شود؛ زیرا هر صفتی در انسان، چه مثبت و چه منفی، دارای

نشانه‌ای است که لازم است برای دوری از آن، به آن نشانه‌ها رجوع شود. نوعاً در این مشاهدات عواقب ناگوار آن صفات نیز لحاظ می‌شود. نمونه‌ای از این نوع را می‌توان در بیانی که امام علیه‌السلام در آن بیان، نشانه ضعف شخصیتی فرد را غیبت کردن معرفی می‌نماید مشاهده کرد. غیبت کردن تلاش ناتوان است (همان، حکمت ۴۶۱، ص ۵۵۶)؛ و یا در این مورد که فرمودند: پیروزی در دوراندیشی، و دور اندیشی در به کار گیری صحیح اندیشه، و اندیشه صحیح به راز داری است (همان، حکمت ۴۸، ص ۴۷۷)

مدل دوم: مشاهده عملی که انجام شده و بررسی وجوه غیر عقلانی و عقلانی آن

فرد در برخورد با عمل انجام شده توسط دیگران قرار می‌گیرد. در این برخورد خود را در مشاهده ظاهر عمل ننگه نمی‌دارد، بلکه این مشاهده را به سطوح عمیق‌تری می‌کشانند. در این مدل، که به تحلیل عمل انجام‌شده می‌پردازد، پس از مشاهده عمل، دلایل و نشانه‌های غیر عقلانی بودن یا عقلانی بودن آن را بیان می‌نماید. روایات مربوط به این مدل نوعاً به تحلیل عملی که از روی تعقل انجام نشده است، می‌پردازد که نمونه‌ای از آن در روایتی از امام علیه‌السلام درباره مردی که از روی جهل و بی‌خردی به مذمت دنیا لب گشوده بود، دیده می‌شود.

ای نکوهنده دنیا، که خود فریفته به نیرنگ آن هستی، در حالی که به باطل‌های آن دلباخته‌ای به نکوهش آن می‌پردازی؟! تو بر دنیا دعوی گناه داری، یا دنیا باید بر تو دعوی کند که گنهکاری؟ دنیا کی سرگشته‌ات ساخت و چسان به دام فریبت انداخت؟ با خفتنگاه‌های پدرانت که پوسیدند؟ یا با خوابگاه‌های مادرانت که در خاک آرمیدند؟ تا به حال چند کس را با پنجه‌های تیمار داشتی؟ و چند بیمار را با دست‌هایت در بستر گذاشتی؟ بهبود آنان را خواهان بودی، و دردشان را به پزشکان می‌نمودی. بامدادان، که دارویت آنان را بهبودی نداد، و گریه‌ات آنان را سودی. بیمت آنان را فایده‌تی نبخشید، و آنچه خواهانش بودی به تو نرسید، و نه به نیرویت بیماری از آنان دور گردید. دنیا از او برایت نمونه‌ای پرداخت، و از هلاکت جای وی نموداری ساخت. (اما حقیقت دنیا) دنیا خانه راستی است برای کسی که آن را راستگو انگاشت، و خانه تندرستی است آن را که شناختش و باور داشت، و خانه بی‌نیازی است برای کسی که از آن توشه اندوخت، و خانه پند است برای آن که از آن پند آموخت. مسجد مجبان

خداست، و نمازگاه فرشتگان او، و فرود آمد نگاه وحی خدا و تجارتجای دوستان او. در آن آموزش خدا را به دست آوردند و در آنجا بهشت را سود بردند. چه کسی دنیا را نکوهش حالی که بانگ برداشته است که جدا شدنی است، و فریاد کرده است که ناماندنی است، گفته است که خود خواهد مرد و از مردمش کسی جان به در نخواهد برد. با محنت خود از محنت برای آنان نمونه ساخت، و با شادمانی‌اش آنان را به شوق شادمانی انداخت. شامگاه به سلامت گذشت و بامداد با مصیبتی جانگداز برگشت، تا مشتاق گرداند و بترساند، و بیم دهد و بپرهیزاند. پس مردمی در بامداد پشیمانی بد گوی او بودند و مردمی روز رستاخیز او را ستودند. دنیا به یادشان آورد، و یادآور شدند. با آنان سخن گفت و گفته او را راست داشتند؛ و پندشان داد، و از پند او بهره برداشتند (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱، ص ۴۹۳)

مدل سوم: مشاهده عاقبت به کمک نشانه‌ها

از محاسن زندگی با دیگران این است که انسان می‌تواند به حالت‌های مختلفی از عاقبت در اعمال و زندگی دیگران رجوع داشته باشد؛ یعنی بدون آنکه در زندگی خودش عمل و پدیده‌ای رخ داده باشد، با درگیر نمودن خود در آن جریان به کمک نیروی تفکر، خود را در برابر عاقبت‌های سوء صیانت کرده و در معرض عاقبت‌های نیک قرار دهد. البته با چنین مشاهده‌ای به خوبی قادر خواهد بود در مواجهه با دیگران، عاقبت آنها را به کمک آنچه تا کنون در این راستا مشاهده نموده است، رؤیت کند.

یکی از کارکردهای این مدل، مشاهده وضعیت خود با استفاده از تشابه‌ها با انسان‌های دیگر است. برخی از کارهایی که انجام می‌دهیم به طور طبیعی توسط دیگران در زمانی انجام شده است و نتایج آن به نحوی قابل مشاهده است. ممکن است برخی از کارها عیناً و برخی حدوداً در وجهی مشابه باشند. بنابراین، ملاحظه اعمال دیگران و تصویرسازی نتایج و آثار و نهایت آنها می‌تواند ما را در تفکر در اعمال خود کمک نماید.

ای آرمیدگان خانه‌های هراسناک، و محلت‌های تهی و گورهای تاریک، و ای غنودگان در خاک! ای بی کسان، ای تنها خفتگان! ای وحشت زدگان! شما پیش از ما رفتید و ما بی شمایم و به شما رسندگان. اما خانه‌ها، در آنها آرمیدند، اما زنان، به

زنیشان گزیدند. اما مالها، بخش گردیدند. خبر ما جز این نیست، خبری که نزد شماس چيست؟ [سپس به یاران خود نگریست و فرمود:] اگر آنان را رخصت می دادند که سخن گویند شما را خبر می دادند که بهترین توشه‌ها پرهیزگاری است (همان، حکمت ۱۳۰، ص ۴۹۲)

مدل چهارم: مشاهده افرادی متصف به صفاتی به عنوان یادآوری صفات یا ویژگی‌های مثبت یا منفی

در زندگی روزمره، برخی از افراد نماینده ویژگی خاصی می‌شوند. توجه و مشاهده این افراد می‌تواند یادآور ویژگی‌های آنان در ذهن باشد. نمونه این مشاهده در روایات مربوط به ثواب رؤیت عالم یا مشاهده پدر و مادر قابل بررسی است. در این روایات، عالم که متصف به علم است انگیزه عبودیت را در فرد تقویت می‌کند و پدر و مادر که متصف به صفت ربوبی خدا هستند، صفت رأفت و رحمت را در فرد احیا می‌نمایند. همچنین ممکن است برخی از شخصیت‌ها به صفات بدی متصف باشند که مشاهده آنها منجر به کدورت قلب انسان شود.

نمونه این مدل در توصیه‌های امام علی علیه‌السلام، در مشاهده برای یادآوری نعمت‌هاست که انسان را به سوی عمل شاکرانه در بهره‌برداری از نعمت‌ها می‌کشانند: و بدان کس که از او برتری، فراوان بنگر تا بدین نگریستن سپاس نعمت داری و شکر آن بگذاری... (همان، حکمت ۶۹، ص ۴۵۹)

مدل پنجم: مشاهده تفکیکی و متمایز به اجزای یک عمل

از آنجا که هر عملی در بستر بروز و وقوع، دارای اجزای متعدد درونی و بیرونی است، لازم است برای انجام سریع‌تر و بهتر آن، مؤثرترین عناصر لازم آن (که لازم بودن عناصر، بر اساس هدف عمل مشخص می‌شود) شناسایی شده و در هنگام عمل با تأکید بر آن، بروز صورت پذیرد. در این حالت تفکر انسان در حین عمل قوت می‌یابد و کمتر دچار آسیب‌های بیرونی و درونی می‌شود. به عبارت بهتر، در اینجا بر مشاهده تفکیکی و انتخابی اجزا یا پدیده‌ها تأکید می‌شود. نمونه این مدل را می‌توان در کلام امام علیه‌السلام در آموزش رزم به محمد حنفیه دید:

(هنگام دادن پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه فرمود) اگر کوه‌ها از جای کنده

شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را برهم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم‌پوش، و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است (همان، خطبه ۱۱، ص ۵۵)

آثار تربیتی به کارگیری مدل‌های مشاهده

هر چند در ذیل برخی از مدل‌ها، به نتایجی تربیتی آنها اشاره شده است، در این بخش می‌خواهیم به صورت تأکیدی بر این موضوع متمرکز شده و آثار تربیتی پرداختن و به کارگیری مدل‌های مشاهده و نهادینه شدن آنها در فرد را بررسی نماییم.

عدم ظاهر گرایی: اولین و مهم‌ترین اثر تربیتی پرداختن به این مدل‌ها این است که فرد خواهد دانست که کارکردهای بینایی در او تنها در سطح ظاهر نیست، بلکه وجود انواعی از مشاهدات در نگاه به یک پدیده، حاکی از این نکته است که توجه به پدیده و مشاهده آن از منظرهای مختلف، سطوحی از دانش را برای او فراهم می‌آورد (همان، ص ۱۰۶). از این رو، در کلام امام علیه‌السلام کسی که در لایه ظاهر مشاهده می‌ماند، نابینا معرفی می‌شود (همان، ص ۱۹۱).

فعال شدن تفکر در انسان: همان‌طور که در بخش مقدمه نیز ذکر شد، مشاهده پدیده‌ها نقطه عزیمت انسان برای تفکر محسوب می‌شود. همه آثاری نیز که برای استفاده از مدل‌های مشاهده بیان می‌شود، در اثر راه‌یابی مشاهده به تفکر در فرد پدید می‌آیند. مشاهده نقش راه‌انداز و بارورکننده تفکر برای انسان را دارد، به این صورت که زمینه را مهیا می‌کند تا انسان به تفکر بنشیند و به کشف رابطه‌ها بپردازد. همچنین از طرفی دیگر، این تفکر موجب می‌شود که او قدرت مشاهده بیشتری پیدا کرده، و با قوت آن در وجودش، انسانی تیزبین شود (همان، ص ۴۰۲). همچنان که بهره‌مندی انسان از تفکر و تعقل به عنوان مصحح چشمان ناظر انسان معرفی می‌شود (همان، حکمت ۲۸۱، ص ۵۲۵).

وسعت دید: عمق بخشیدن به مشاهدات، ره‌آورد دیگری است که به کارگیری مدل‌ها و انواع مشاهده می‌تواند برای فرد به ارمغان بیاورد؛ چرا که این مدل‌ها در حقیقت راهکارهایی برای افزایش میزان بهره‌گیری فرد از مشاهداتش هستند.

حصول علم و حکمت: یاد دادن برخی نکات به انسان‌ها به خصوص در دوران

اولیه رشد، با ارائه گزاره‌های علمی امکان پذیر نیست. صرف گفتن چنین نکاتی نمی‌تواند موجب شود تا آن نکات در وجود فرد نقش ببندد. در صورتی که به کارگیری برخی از این مدل‌ها و تعلیم و نهادینه سازی آنها در فرد، می‌تواند به خوبی این نکات را به آنها بیاموزد و در وجود فرد حک نماید. مثلاً آموختن کاربردی نکاتی چون، «عالم پیرامون انسان، آیه‌هایی برای دریافت حق هستند» و یا «ارتباط تنگاتنگ و پیوستگی میان آیات آفاقی و انفسی وجود دارد» و...، با نشان دادن چنین مدل‌هایی از مشاهده برای متریان به صورت حقیقی و واقعی ممکن خواهد بود. از این روست که در کلام امیرالمؤمنین نگرستن هوشمندانه، موجبات آشکارش شدن حکمت‌ها برای انسان معرفی می‌شود (همان، ص ۴۷۳)

عبرت‌آموزی و تجربه‌اندوزی: طبیعتاً بهره‌گیری از زندگی دیگر انسان‌ها و کسب تجربیات مفید، بدون شیوه و مهارت ممکن نخواهد بود. در منابع دینی بر عبرت‌آموزی تأکید بسیاری شده است، چرا که نقش مهمی را در غنای علمی انسان ایفا می‌کند. چنین امری بدون لحاظ نمودن شیوه‌ها و مهارت‌های اجرایی، امکان پذیر نیست و مدل‌هایی از آنچه گفته شد می‌تواند این نیاز را اغنا و تأمین کند. از آثار مهم در برخی از مدل‌های گفته شده، شیوه‌هایی است که فرد می‌تواند عبرت‌آموزی از زندگی دیگران را به صورت عملی بیاموزد. در همین راستا امام علی علیه‌السلام مشاهده و بینایی را وسیله‌ای برای فهم عبرت‌ها و راه یافتن به پندهای بیم دهنده معرفی کرده (همان، ص ۱۱۲ و ۲۱۴) و بهره داشتن از عبرت‌ها را تضمینی بر توانایی انسان بر دیدن، در حوادث و سختی‌ها بیان می‌کند، چرا که هر ناظری را بصیر (یعنی آنکه از بصر خود بهره می‌برد) نمی‌داند (همان، خطبه ۸۸)

عدم غفلت در مواجهه با پدیده‌ها: خداوند در جای جای کلام الله مجید انسان‌ها را به دلیل غفلت از آیات آفاقی و انفسی در جهان خلقت نکوهش می‌کند. از آن جایی که آنچه انسان می‌بیند، می‌تواند او را از مسئله‌ای غافل کرده و یا مسئله‌ای را به او بنمایاند، (همان، ص ۷ و ۱۰۶) مدل‌هایی که در بخش اول ارائه شد، فراهم‌کننده زمینه مساعدی برای بهره‌گیری از جهان طبیعت در جهت افزایش علم نسبت به خلقت خدا و در نتیجه فهم بیشتری از حق، می‌باشند. توجه به این مدل‌ها حتی در سطح نازل آن، یعنی صرف دانستن وجود چنین مدل‌ها و تنوعی از مشاهده‌ها، باعث می‌شود که فرد از گذر

پدیده‌ها و حوادث به سهو و غفلت عبور نکرده، و به دنبال توشه‌ای از آن برای خود باشد. به این ترتیب، می‌توان یکی از مهم‌ترین اثر تربیتی این مدل‌ها در متریبان را حسن استفاده آنها از همه فرصت‌های زندگی دانست که در این صورت می‌توان مدل‌های فوق را شیوه‌هایی در جهت این بیان امام دانست؛ بیانی که در آن فرد بهره‌مند از بصیرت را برگزیده زاد و توشه از دنیا معرفی می‌کند و آنکه حظی از بصیرت ندارد را به عنوان از دست‌دهنده سرمایه معرفی می‌نماید (همان، ص ۱۹۱)

حصول بصیرت: همه آثار و نتایجی که برای تقویت مشاهده در انسان به کمک مدل‌ها و شیوه‌های ارائه‌شده بیان می‌شود حالتی را در فرد پدید می‌آورد که از آن به عنوان بصیرت تعبیر می‌شود. در کلام امام علی علیه‌السلام بصیر آن کسی است که نگاه کردن او را به مشاهده و نفع‌گیری با عبرت می‌کشاند (همان، ص ۲۱۳)

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا با بررسی مدل‌ها و شیوه‌هایی در مشاهده، راهکارهایی جهت استفاده درست و بهینه از مشاهده برای توسعه کمی و کیفی شناخت به دست داده شود. در این بررسی مدل‌های مشاهده را در دو بخش مشاهده در آیات طبیعی و مشاهده در روابط انسانی تقسیم نمودیم. برای هر یک از این مدل‌ها آثار و نتایجی است، که در مجموع با ایجاد فهم درست در انسان می‌توانند فرد را صاحب بصیرت و دانش عمیق نمایند. به این ترتیب، انسان از ادراکات بصری خود به بینشی عمیق دست می‌یابد.

توجه کاربردی به این مدل‌ها نقش سازنده تربیتی داشته و نهایتاً باعث بصیرت چشم و بیداری دل و دور نگهداشتن متریبان از غفلت می‌باشد. امید می‌رود اگر انسان به این مدل‌ها آگاهی داشته باشد، در بهره‌مندی‌اش از زندگی موفق‌تر باشد. مدل‌های ارائه شده می‌تواند در امر تربیت آحاد جامعه اسلامی و به خصوص دانش‌آموزان و نیز در محتوای کتب درسی مورد توجه قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در بسیاری از تلاش‌های تربیتی درصدد آشنایی متریبان با طبیعت هستیم، که آگاهی از شیوه‌های این کار در منابع دینی می‌تواند راهگشای خوبی در این مسیر بوده، و اهداف و اغراض این مسئله را محقق کند. همچنین مدل‌های مطرح در بخش مشاهده آیات طبیعت می‌تواند زمینه بخشی از دروس علوم تجربی

کودکان در تعلیم و تربیت قرار گیرد؛ چرا که در این دوره دریافت‌های قوی حسی کودکان و خیال‌پردازی در آنها موجبات پیوند و انس خوبی با طبیعت را در آنها پدید می‌آورد. از این رو، مدل‌هایی از این دست می‌تواند پاسخگوی نیاز رویکرد اسلامی در تدوین دروسی در علوم تجربی باشد؛ چرا که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اسلامی به دنبال راه‌هایی برای حاکم کردن جهان بینی اسلامی بر این حوزه از نظام آموزشی کشورند (محسن‌پور، ۱۳۸۶) و در این راستا، ارتباط این هدف با آنچه در بخشی از مدل‌های مشاهده در طبیعت ارائه شد واضح و آشکار است و می‌تواند به عنوان راهکارهایی عملی مورد توجه قرار گیرد. همچنین از آن جایی که در دروس مربوط به علوم اجتماعی به دنبال آشنایی کودکان با زندگی در میان دیگر انسان‌ها هستیم، مدل‌های مطرح در بخش مشاهده روابط انسانی می‌تواند زمینه برخی از دروس در این حوزه باشد.

از نتایج مهمی که در بررسی این مدل‌ها به دست آمد، این است که آموختن مفاهیمی که در دوره‌های از سیر رشد انسان به دلیل اقتضای سنی مقدور نیست، می‌تواند با استفاده از سطوح پایین‌تر یعنی مشاهدات حسی و خیال‌پردازی، برای ایجاد و شکل‌گیری مفاهیم مذکور صورت گیرد.

منابع

قرآن کریم.

- بهشتی، سعید؛ افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶)، «تبيين مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، س ۲، ش ۴، ص ۷-۴۰.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۹۶ ق)، *صحیفه علویه*، چ ۳، تهران: انتشارات اسلامی.
- سیدرضی (۱۴۱۴ ق)، *نهج‌البلاغه*، چ ۱، قم: هجرت.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۹۸۱)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۸، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ۲۰ ج، چ ۷، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، س ۳، ش ۶، ص ۹۳-۱۲۲.
- محسن‌پور، بهرام (۱۳۸۶)، «تدوین برنامه‌های درسی علوم تجربی با رویکرد دینی»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، س ۳، ش ۵، ص ۱۳۵-۱۵۲.
- مهرمحمدی، محمود؛ نیک‌نام، زهرا؛ سجادیه، نرگس (۱۳۸۷)، «اشکال بازنمایی و شناخت در برنامه درسی: بازکاوی نظریه کثرت‌گرایی شناختی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، دوره جدید، ش ۹۵، ص ۲۹-۵۲.